

## مصاحبه با استیو نيسون



مترجم : جنابان شهرام و محسن

گردآورنده: fxf1.com ( دانشکده آموزش بازار بورس و بازار ارز )

قریب به ۱۵ سال پیش زمانیکه استیو نیسون در Shearson Lehman Hutton و در محل کار خود در دپارتمان تحقیقاتی فیوچرز پیشنهادات و نظرات خود را به کارگزاران ارایه میکرد ، هنوز به کسی نگفته بود که از تحلیل کندلها برای این کار استفاده می کند.

در حالیکه تحلیلهای تکنیکال بطور وسیع در معاملات فیوچرز مقبول افتاده بود ، هنوز چارتهای کندلی در غرب ناشناخته مانده بود. در این زمان استیو نیسون آمادگی بیان این مند با تمام پیچیدگیهایش را در خود احساس نمی کرد (او در حال تکمیل تحقیقاتش روی این موضوع بود).

و از طرفی رغبتی هم نداشت که مند خرید و فروشی برپایه سیگنالهای Morning Attack, HangingMan و یا Three Advancing Soldiers را ارائه دهد.

پس از اینکه فرهنگ کندلهای ژاپنی برای معامله گران قابل فهم شد، استفاده از این مند تحلیلی شروع به گسترش کرد بطوریکه نسبت به اواسط دهه ۸۰ این همه گیری بوضوح قابل مشاهده بود. در حال حاضر نیز معامله گران و تحلیلگران سهام ، مراتب امتنان خود را از این مند بدلیل گشودن زاویه ای بهتر جهت تحلیل بازار و قیمت‌ها اعلام می کنند.

حال، تشکر معامله گران بخاطر ارایه این روش چارتینگ ۱۳۰ ساله به غرب بسوی نیسون جهت گرفته شده است.

نیسون اولین مقاله خود درباره کندلهای ژاپنی را در آمریکا نوشت (در مجله فیوچرز در سال ۸۹ چاپ شد) و همچنین کتابهای پایه ای معتبری از قبیل Japanese Candlestick Charting Techniques و Beyond Candlestick را قلم زد. هم اکنون نیز او مسئول سایت Candlecharts.com است که بصورت مستقل از سال ۹۶ فعالیت آموزشی، مشورتی را پایه نهاده است.

نیسون بعنوان مدافع قوی کندلهای ژاپنی عنوان کرده است که "کندلها فقط یکی از ابزار جنگ افزاری شما در زرادخانه تجارتتان است". در سمینارهای آموزشی هم، نیسون گفته است که استفاده از شمعها "ابزار" است نه یک سیستم. در واقع او بر ترکیبی از تکنیکهای غربی و تحلیل کندل های ژاپنی معتقد است.

نیسون در اواسط دهه ۸۰ در سالن دفتر یک کارگزار ژاپنی در Sheason و وجود این چارتهای اطلاع پیدا کرد و توجهش را معطوف آن نمود تا مسایلش را فرا گیرد. "زمانیکه تحقیقاتم را انجام میدادم با مترجم آمریکایی آشنا شدم که در صدد رفتن به ژاپن بود. از او خواستم هر چه کتاب درباره کندل های ژاپنی دید برایم بخرد. او آنها را برایم آورده و ترجمه نمود و سپس جمع آوری و ترکیب آنها سالها مرا بخود مشغول کرد".

## **مطلب فوق را استیو نیسون در Improve my trade recommendations عنوان کرده است.**

او در اواخر دهه ۸۰ به Meriil Linch منتقل شد و همزمان با قبول مسئولیت بعنوان تحلیلگر ارشد تکنیکال در دپارتمان فیوچرز، کتابچه ۱۵ صفحه ای درباره کندل های ژاپنی نوشت. که بلافاصله شرکت با درخواست ده هزار نسخه ای از این کتابچه مواجه شد.

معامله گران فیوچرز در ابتدا اقدام به آنالیز مزایای تحلیل بر پایه کندل ها نمودند. قبل از این، درک معامله گران فیوچرز، صرفا تکنیکالی بود.

نیسون می گوید: " بازار Equity در ابتدای دهه ۹۰ نسبتا ساکن بود. معاملات آنلاین در آن موقع وجود نداشت و روزهای کاری هم زیاد نبود. معامله گران فیوچرز به کار روی کندل های ژاپنی پرداختند بدلیل اینکه تمایل به معامله کوتاه مدت داشتند (سیگنال های برگشتی سریع می خواستند).

نیاز آنها مستقیماً در دل تحلیل کندل ها دیده می شد.

نیسون می دانست که نیاز آنها این است که تایم فریم کوچک شود. "فاندامنتال در تایم فریم بزرگ مهم می نمود و در دید کوتاه مدت فاندامنتال تاثیر کمی دارد و احساسات بیشتر تاثیرگذار است. تنها راه اندازه گیری طیف احساسات بازار از جاده تکنیکال می گذرد."

کندلها حالت متراکم شده نمودار میله ای می تواند باشد. نیسون اعتقاد دارد "اختلاف عمده در اینجا این است که ژاپنی ها اهمیت زیادی به قیمتهای Open و Close می دهند."

کندلها ترکیبی از بدنه و دم و شاخ هستند. بدنه فاصله بین Open و Close است. وقتی Close پایین تر از Open باشد بدنه سیاه (رنگ دیگری) بوده و اگر Close بالاتر از Open باشد، بدنه سفید (توخالی) می باشد. خطوط باریک در بالا و پایین شاخ و دم هستند. بالای شاخ نشان دهنده High و پایین دم Low نامیده می شود. طول کندل و اینکه سیاه است یا سفید، پایینرو یا بالارو بودن قیمتها را نشان می دهد.

## مزیت Candlestick Charts بر Bar Charts چیست؟

نیسون: در نمودار کندلها شما تمام تحلیلهای تکنیکی غربی را میتوانید پیاده کنید. هر آنچه در نمودار میله ای استفاده می کنید در نمودار کندلها نیز صادق است مانند: میانگین متحرک، خطوط روند، اسیلاتورها و رتریسمنت ها.

اما علاوه بر سیگنال های غربی سیگنال هایی خواهید دید که فقط در نمودار کندل ها قابل رویت است. مانند "دوجی" که زمانی رخ می دهد که Open و Close بازار یکی باشد. اگر بازار حرکتی قابل توجه داشته باشد و سپس "دوجی" تشکیل شود، ژاپنی ها به اصطلاح می گویند بازار خسته شده است و یک نیروی بالقوه برای برگشت روند بوجود آمده.

نمودار کندل ها برگشت ها را زودتر سیگنال می دهد. در صورتیکه در نمودار میله ای نظر دادن درباره برگشت روند و تاییدیه اش، توسط خطوط روند یا میانگین متحرک انجام می شود و این، بررسی طولانی مدت را می طلبد. در نمودار کندل ها شما می توانید سیگنال برگشت را در یک یا دو session تشخیص دهید. برای مثال در هفته ۱۴ می ۲۰۰۱ الگوی Evening Star در چارت نزدیک قابل دقت است. بر پایه تکنیک غربی الگوی سر و شانه شکل گرفته است اما تشکیل این الگو هفته ها زمان می برد و طول می کشد تا برگشت قیمت از گردن نیز تایید گردد. بازار با یک الگوی برگشتی نزولی در بالای تراز "سر" شکل گرفت، اما تا ۱۱ ژوئن سال ۲۰۰۱ شکست گردن رخ نداده بود.

اطلاعات قیمتی در هر دو نوع چارت میله ای و کندلی بصورت یکسان موجود است اما برای تعمق روی بازار و قیمتها با استفاده از نمودار میله ای احتیاج به ژیمناستیک فکری است. الگوها مانند گپها (که windows می نامیم) در نمودار میله ای نیز پدید می آید. به هر حال شما از تمام سیگنال ها می توانید استفاده کنید، به همراه استفاده از دورنمای نمودار کندل ها که در ذهن خود آن را مجسم می نمایید. همچنین کندل ها برای حفظ سرمایه بسیار مناسب هستند. برای مثال فرض کنید بازار یک تراز ارتفاعی جدید ساخته است و سپس دوجی و یا Spining Top شامل بدنه ای کوچک به همراه شاخ و دمی (بلند) بوجود آمد. این به ما می فهماند که بازار این قیمت را رد می کند و همچنین کنترل لازمه برای ثبات در ادامه روند را از دست داده است. در نمودار میله ای شما فقط یک حرکت بلند قیمت و تشکیل چیزی مثل علامت بعلاوه می بینید اما در نمودار کندل ها شما می پرسید "سایز بدنه ما چقدر است؟" "دم و شاخ ها به چه می ماند؟".

وقتی بازار کندلی با یک بدنه کوتاه و شاخ بلند تشکیل می دهد من هیچ میلی به گرفتن پوزیشن در روند صعودی بازار نخواهم داشت در صورتیکه با دقت به نمودار میله ای فرصت خوبی برای گرفتن پوزیشن بنظر می رسد چون یک حرکت قیمتی بالا روی خوبی دیده میشود و در انتها نیز قیمت در جهت روند بالا رفته و بسته شده است. حال اگر به نمودار کندل ها برگردیم خواهیم دید که یک حرکت رالی شکل گرفته اما قیمت در نزدیکی Open بسته شده که تشکیل Bearish Shadow را برای ما محرز کرده است.

**:: کدام اندیکاتور غربیها در کنار کندل ها خوب کار می کند؟**

نیسون: به طور مشخص Volume را پیشنهاد می‌کنم که فشار و نیروی پشت قیمت‌ها را برای حرکت نشان می‌دهد. برای مثال الگوی Bullish Engulfing که یک کندل سفید، کندل سیاه قبل از خود را در بر می‌گیرد را در نظر بگیرید. اگر شما یک الگوی Bullish Engulfing را بعد از روند نزولی داشته باشید ممکن است بازار دوباره میل به پایین رفتن داشته باشد. در اینجا تحلیلی از حجم را وارد تصمیم‌گیری خود می‌کنیم. اگر من ببینم حجم کندل سفید بالاروی من از حجم کندل سیاه قبل از خود بیشتر است، می‌فهمم الگو دلالت بر بالارو بودن بازار دارد.

در اصل شما می‌توانید فقط اندیکاتورهای مورد علاقه خود را به چارترتان اضافه کنید. سیگنالهای تاییدی دیگری را نیز که استفاده می‌کنید ممکن است شما را بیشتر راهنمایی کند. مثلاً اگر Bullish Engulfing در نزدیکی یک خط حمایت قوی پدید آید، اعتماد به روند صعودی در جهت تشکیل این الگو نسبت به الگوی مشابه ولی بدون تاییدیه خط حمایت، بیشتر است.

## شما کندل‌ها را در تحلیل خود بصورت عینی در نظر می‌گیرید یا ذهنی؟

نیسون: هر دو. برای مثال الگوی Hammer را که بدنه‌ای بلند در بالا و دم‌بلند دارد را در نظر بگیرید. هر چند اکثر الگوها برگشتی هستند ولی Hammer یک الگوی برگشتی قوی محسوب می‌شود که پایین یک روند نزولی شکل می‌گیرد. حال بخواهیم تعیین کنیم که کدام حرکت نزولی مورد نظر است و مقصود از دم این الگو چیست، اینجا موضوع بصورت عینی باید دیده شود. یک Hammer ایده‌آل باید دارای دم‌بلند دو برابر ارتفاع بدنه‌اش باشد.

اما اگر من یک Hammer بعد از حرکت نزولی ببینم که دم آن فقط یک و نیم برابر بدنه‌اش بوده اما بازار به یک خط حمایت مشهور و قوی خورده بود، باز هم دید من ناظر یک ساختار کلاسیک Hammer خواهد بود.

به طور کلی این تصویر تکنیکالی مهمتر از سیگنالی است که از کندلها می‌گیرید. کندل‌ها فقط در پس زمینه‌ای که شامل یک تصویر کلی از بازار می‌باشد، دیده می‌شوند.

## بعضی از معامله‌گران تحت تاثیر نامگذاری‌هایی برای الگوها هستند که در تحلیل کندلها نیز اثر گذار است. نظر شما چیست؟

نیسون: بله. ولی در واقع نام الگوها، تا حدی نمایانگر پیام الگو هستند. برای مثال Shooting Star عکس Hammer است و آن کندلی است با شاخ بلند و بدنه‌ای کوتاه در پایین کندل که همانند ستاره دنباله‌دار می‌باشد. طرف مقابل Bullish engulfing، Bearsih Engulfing است. این ممکن است غیر معمول بنظر برسد ولی الگوها قابل توصیف و تفسیرند.

## آیا الگوی خاصی را از نظر قابل اعتماد بودن نسبت به بقیه الگوها در نظر دارید؟

نیسون: ژاپنی‌ها می‌گویند "شخصیتی که سهام بخود می‌گیرد مانند صورت انسانهاست، دوتای آنها مثل هم نیست." الگوی قطعی در بازار قطعی کارا ست و بقیه الگوها درست کار نمی‌کنند. این یک سعی و خطاست.

برای مثال من روی "نزدک" دقیق شده‌ام و دیده‌ام که Evening Star به زیبایی در "نزدک" جواب می‌دهد و آن ترکیبی از سه کندل است که بعد از یک رالی بوجود می‌آید. کندل اول سفید با بدنه بلند است، کندل دوم با بدنه کوتاه اما با گپی بالارو ایجاد می‌شود، کندل سوم برنگ سیاه است بطوریکه بقدر کافی در کندل سفید اول نفوذ کرده باشد. ژاپنی‌ها کندل بالارو را "یانگو" کندل پایین رو را "یینگ" نام گذاشته‌اند.

وقتی "یانگ" به نهایت خود می‌رسد سکونی بوجود می‌آورد، و این رکود به "یینگ" تبدیل می‌شود. بحث این موضوع دارد طولانی می‌شود ولی واقعا من هیچ دلیل و ایده‌ای برای نحوه صدقش در "نزدک" ندارم ولی آن اتفاق می‌افتد.

:: کندل‌ها چگونه می‌توانند بیانگر روحیه بازار باشند؟

نیسون: من کندلها را بعنوان یک عکس رادیوگرافی از عرضه و تقاضای بازار می بینم. یک کندل بلند قامت سفید نشان دهنده این است که بازار در این بازه زمانی، نزدیک پایینترین حد، باز شده و در نزدیک بالاترین تراز، بسته شده است؛ و پیامش هم این است که حرکت بالارو قیمت تحت کنترل می باشد. از طرفی اگر یک کندل بلند قامت سیاه رنگ بوجود آید پس حرکت پایین روی ما تحت کنترل است. اگر شما **Spinning Up** با یک بدنه کوتاه ببینید، در می یابید که تقلای بازار در جنگ بین خریداران و فروشندگان بالا گرفته است. اگر شما دوجی داشته باشید، یک تعادلی بین قدرت بالارو و پایین رو در بازار ایجاد شده است که شما بالطبع آرزوی دیدنش را در ادامه حرکت رالی نخواهید داشت. در طی یک روند، دیدن **Spinning up** ها و **Doji** ها خوشایند نیست. در زمان تشکیل دوجی پیغام گرفته شده از بازار "عدم تصمیم گیری" است و اینکه بازار خسته شده است.

چیزی که نباید فراموش شود این است که بعضی اوقات کمبود علم مورد نیاز، خطرناک می شود. من در اینجا دوست دارم به همه بگویم مبدا قبل از اینکه احساس نزدیکی و هم خانوادگی با کندل ها کنید، بنای معاملات خود را بر پایه کندل ها قرار دهید. مثالی می آورم: دوجی یک کندل برگشتی بالقوه است اما یکی از اعتقادات من این است که نوک شاخ دوجی، تراز مقاومتی را برای ما تشکیل می دهد و اگر قیمت، بالای این تراز مقاومتی بسته شد بقول ژاپنی ها بازار نفسی تازه گرفته است.

در اینجا توجه شما را به جزئیاتی چند جلب می کنم. اگر بطور کلی درباره دوجی ها بخواهیم نظر دهیم، میگوییم "دوجی بیانگر عدم قدرت تصمیم گیری بازار است" ولی شایسته تر این است که بگوییم "دوجی سقف است نه کف". الان توضیح می دهم: دوجی دلالت بر سنگینی بازار بطرف پایین دارد. وقتی شما در یک حرکت رالی شاهد تشکیل دوجی باشید می ببینید بازاریان دودل هستند که دوجی چگونه عمل خواهد کرد و در واقع امکان ریزش قیمت زیر این سنگینی می رود.

اما وقتی شما شاهد دوجی در طی یک روند پایین رو باشید، اغلب اوقات بازار به حرکت نزولیش ادامه می دهد. این از نکات ریزی است که شما با مشاهده هزاران چارت به آن خواهید رسید.

### می توانید مثالی از شرایط لازم برای گرفتن پوزیشن خرید بزنید؟

نیسون: یکی از تکنیکهایی که من دوست دارم از آن استفاده کنم الگوی **Bullish Engulfing** بعنوان منطقه حمایتی است. "نزدک ۱۰۰" در ۲۳ و ۲۴ جولای یک الگوی **Bullish Engulfing** داشت - توضیح مکرر اینکه این الگو کندل سفیدی است که کندل سیاه قبل را در برگرفته است - در این الگو **Low 1.192** بود که منطقه حمایتی قوی محسوب می شد. در اینجا تفکر خرید می تواند در بازار مطرح باشد. در این کندل بازار حرکت رالی خود را انجام داد اما سپس در ۵ آگوست در ۱,۲۰۵ یک کف قیمتی دیگر ساخت. این کف بالاتر از کف الگوی **Bullish Engulfing** خود را مستقر نمود و بازار حرکت رالی خود را از آنجا شروع کرد پس یک ساختار بالقوه در جهت خرید نزد الگوی **Bullish Engulfing** پدید آمد. در این نمونه شما می توانستید به انتظار تاییدیه بنشینید تا بعد از بلوک سیاه ۵ آگوست یک کندل با **Open** بالاتر ایجاد شود. **S/L** شما نیز پایین **Low** الگوی **Bullish Engulfing** می باشد.

### آیا با مشاهده کندل ها می توانیم قیمت های مورد احتیاج را تعیین کنیم؟

نیسون: خیر، کندل ها به شما قیمتی که باید هدف قرار دهید را نمی دهند. این نکته مهمی است. کندل ها ابزار قوی هستند که اولین سیگنال های خرید و فروش را می توانند از آن بگیرید و یا سیگنال برگشت روند را مشخص کنید اما برای تعیین دورنمای خروج از بازار از تکنیک های غربی باید استفاده کرد.

برای مثال: برای آن الگوی **Bullish Engulfing** که قبلا عنوان کردم، بازار از میانگین متحرک ۳۰ روزه تبعیت میکرد که من به آن توجه می کردم. اگر خرید را روی الگوی **Bullish Engulfing** انجام می دادم شاید خارج از میانگین متحرک ۳۰ روزه قرار داشتم، بنابراین من خرید را روی ۱,۲۰۵ تا ۱,۲۱۰ انجام دادم و میانگین متحرک ۳۰ روزه ما حول و حوش ۱,۳۲۰ بود که دورنمای هدف، وابسته به آن بود و این، آن جایست که باید از تکنیکهای غربی یاری جست.

### آیا نسبت سود به ریسکی که برای معاملاتتان استفاده می کنید را واضحا بیان می فرمایید؟

نیسون: بین ۲ الی ۲,۵. من سقف بالا و پایین پیوت را برای حد سود مناسب خود و عبارتی نقطه خروج در نظر می گیرم. آنها بخوبی خطوط روند هستند.

## برای اینکه معاملات برپایه کندل ها بیشتر سود بخش باشد توجه به چه نکاتی را صلاح می بینید؟

نیسون: یکی از چیزهایی که دوست دارم پیشنهاد کنم این است که همیشه روند کلی بازار را مد نظر قرار دهید. اینکه بعضی ها روند کلی را چگونه تشخیص می دهند بحثی دیگر است. می پرسید چگونه؟ الان توضیح می دهم: بعضی از معامله گران به میانگین متحرک نگاه می کنند، اگر سهام زیر میانگین متحرکت ۲۰۰ روزه بود می گویند روند نزولی است. من شخصا خیلی ساده آنرا تعیین می کنم، اگر بازار High را در بالاتر و Low را نیز در بالاتر تشکیل داد، روند صعودی است و اگر Low را در پایین تر و High را نیز در پایین تر ساخت، روند نزولی است.

وقتی شما روند اصلی را تشخیص داده باشید، تمرکز خود را روی گرفتن پوزیشن جدید در جهت روند اصلی خواهید گذاشت. اگر روند کلی صعودی است، من مایلم که کندل Bullish ی بیابم که سیگنال خرید در جهت بالا رو را بدهد. مثالی می زنم: اگر Bullis Hammer بوجود آید و روند کلی ما صعودی باشد، تصمیم من ورود به بازار بعنوان خریدار بر روی آن Hammer می باشد.

## آیا شما در ابتدای تشکیل کندل (Open کندل جدید) اقدام به خرید می کنید؟

نیسون: سیگنال کندل ها بر پایه قیمت Close می باشد اما شما می توانید در ابتدای روز جدید وارد بازار شوید که البته این تصمیم بستگی به کندل روز قبل شما دارد.

## آیا کندل ها می توانند راهنمایی باشند برای تعیین S/L ما؟

نیسون: بله. بسیاری از کندل ها این سطح را به شما می دهند. Low در یک سیگنال بالارو می تواند سطح حمایتی ما باشد. مثال اینکه Low در Bullish Hammer می تواند خط حمایت ما را تشکیل دهد.

## آیا شما S/L خود را درست زیر Low الگوی Hammer قرار می دهید؟

نیسون: بله. چون در داخل روز ممکن است خط حمایت شکسته شود. در غیر این صورت بر قدرت خط حمایت افزوده می شود.

## سوداگران برای تعیین نقطه ورود چگونه سیگنال های غربی را با هم ترکیب می کنند؟

نیسون: من مایلم اظهار کنم که سوداگران به استفاده از اندیکاتورهایی که به آن علاقه دارند ادامه دهند. استوکستیک، ماینگین متحرک و یا هر آنچه که ممکن است. پس اگر از آنها سیگنال برگشتی دریافت کردید، به چارت کندل هایتان نگاه ببیندازید تا در صورت تایید اقدام کنید.

مثالی در این مورد: اگر در اندیکاتور استوکاستیک یک واگرایی نزولی تشخیص دادید که معرف تشکیل یک تراز سقفی برای قیمت بود و البته استوکاستیک بر خلاف تشکیل سقف حرکت کرد همچنین الگوی Bearish Shooting Star در چارت کندل ها ایجاد شد، در اینجا صعود قیمت احتمال برگشت بازار را نشان می دهد.